

## زکریا اخلاقی ؛ روزه دار مذهب ذوق

کتاب "تبسم های شرقی" نخستین مجموعه شعر زکریا اخلاقی است که در سال 1372 چاپ شده است کتاب در برگیرنده 30 قطعه غزل است که از این میان 15 غزل مستقیماً در ارتباط با دفاع مقدس است. زکریا اخلاقی شاعری است توانا با تخیلی غنی و زبانی دلنشین که شعرهایش را خواندنی میکند شعرهایی که سرشار از مفاهیم غنی اسلامی اند اگرچه زبان اخلاقی زبانی چندان زنده و امروزی نیست با این حال به دلیل ساختار و فضای خاصی که بر شعرهایش حاکم است شعرهایش در دل اثر می گذارد :

ای بلوغ شاخه ها در اشتهای ما تصرف کن / از میان سبزهها  
سیب تجلی را تعاف کن / چون شقایقهای صحرایی پریم از روشن  
اسرار / ای اشارتهای نرگس بازهم ما را تصرف کن (ای نزول  
سبزه ص 23)

### زبان شعری

زبان شعر زکریا زبان ساده و معمولی است که در آن هیچ حادثه ای رخ نمی دهد و واژگان زبان با همان ترتیب طبیعی تنها جهت ادای مطلبی که در ذهن شاعر است به کار می روند و بیشتر ریشه در زبان ادبی متداول در شعرهای سنتی فارسی دارند «شاهبازا سفر عرش خوش باد برو / نرود کسی سوی آن کنگره زیباتر از این (کس تماشا نکند، ص 15)

ترکیب و ساختار زبان شعری اخلاقی نیز ترکیبی است ساده که در آن واژگان نو و امروزی در کنار واژگان کهن و گاه بسیار مستعمل و پیش پا افتاده می نشیند و به عبارت دیگر جز در مواردی اندک شاعر تلاشی برای ترکیب سازی یا تشبیه و کشف تعبیری جدید از خود نشان نمی دهد مگر در عرصه قافیه و ردیف ؛ به همین سبب کاربرد واژگان کلیشه ای و مستعملی چون «شمع ، گل ، بلبل ، جام ، قدح ، صبا» به ویژه در ترکیبهایی چون «مصر بلا ، شمع انجمن ، اشک شمع ، بوسه تیغ» ، فضایی بسیار کهنه و تکراری به شعرهای اخلاقی می بخشد :

«به سراپرده نورانی در قریبش بردند / آن که چون شمع در این  
انجمنش آوردند» (یارب این کشته .. / ص 20)

«نماز نوربخوانید بر جنازه شمع / که از حرارات اشکش شراره  
میجوشد» (نما ز نور ص 33)

البته درکنا راین واژگان و ترکیبهای کهنه و فرسوده گاه به  
ترکیبهای نویی بر می خوریم که موجب شکوفایی فضای شعر  
اخلاقی می گردند ترکیبها از تاملات شاعرانه وی حکایت دارند  
مثل «اطلس نور، موسیقی باد، تجلی احساسات»: «ورق شقایق  
ورگ گل می رقصد / شعر خوش بوی ظفر بر لب چاوش شماست (شعر  
خوشبوی ص 42)

«این تبسم نوبت موسیقی یاد شهیدان است / ای سرانگشت تخیل ا  
زجمود خود تخلف کن» (ای نزل سبز ص 24)

اخلاقی برای غزلهایش نام خاصی انتخاب نمی کند و در حقیقت  
آنچه بر پیشانی غزلهایش می آید چیزی بیش از یک مصراع شعر  
نیست در حقیقت شاعر نمی خواهد با نامگذاری بر شعرهایش  
پیشاپیش مفهومی را به خواننده شعر تحمیل کند و این اتفاق  
است که در شعر اکثر شاعران اتفاق می افتد یعنی شاعر با  
نامگذاری شعری خود اهد به نوعی به آن هويت ببخشد هويتي که  
برخاسته از ذات شعر نیست و صرفا توسط شاعر به خواننده  
شعر تحمیل شده است به همین دلیل عدم انتخاب نامی خاص برای  
غزلهای این مجموعه را باید کاری جالب و ارزنده دانست .

## بیان

بیان شعر اخلاق بیانی است محکم و ملموس و آشنا که با  
محور هم نشینی و جاننشینی واژگان برخاسته از ذهنیت ادبی  
شاعر سرچشمه گرفته و به طور طبیعی در کنار هم می آیند  
و موجب استحکام فضای آشنای شعر می گردند و نیز مبین تسلط  
شاعر به واژگان و وزن و قافیه است:

«روزه دار مذهب ذوقیم اگر افطار نزدیک است / انبساط سفره  
نانهای قدس یار تعارف کن / ای کمال آسمان ای اصل حسرتها  
ی دوراز دست / اندکی با ما نشین پیش صفای ما توقف کن  
/» (ای نزل سبز؛ ص 24) با این وجود لحن بیان اخلاقی در  
غزلهایش لحنی است بی تفاوت و یکنواخت به گونه ای که هیچ  
تفاوتی بین لحن بیان وی در شعرهایی که به گونه ای درام  
و سوگ سرودند با شعرهایی که جزو شعرهای حماسی طبقه بندی می

شوند وجود ندارد انگار احساس و عاطفه شاعر در برخورد با این دو فضای متفاوت اصلا فرقی نمی کند چه آنجا که شاعر از نبرد و پیروزی سخن می گوید: «روح سرخ خاک کم کم بوی پیروزی گرفت / دامن خونی صحرا رنگ نورووزی گرفت // رشته خونی که دوش ازسوزن خنجر گذشت / اطلس دامن سنگر را به گلدوزی گرفت» (بسترخاک ص 37) دوبیت "رنگ نورووزی" و "سنگر و گلدوزی سنگر" هیچ یک موجب بروز احساس خاصی در ذهن مخاطب و خواننده شعر نمی شود و معلوم نیست احساس خود شاعر از تصویرسنگر گلدوزی با خون دامن صحرایی که رنگ نورووزی گرفته و نیز تصویر وی از پیروزی چگونه احساسی است آیا شاعر در پی بیان حالتی شاد است یا حزن انگیز؟! بدین ترتیب اگر این گونه ای نیست که بتوان از آن برداشتی حماسی کرد که به چشم نمی خورد ولی از آنجا که در این غزل چیزی از حزن و اندوه رایج در شعرهای درام دفاع مقدس وجود ندارد لاجرم باید آن را جز شعرهای حماسی طبقه بندی کرد گرچه شعر فاقد لحن حماسی است همین گونه است لحن بیان شاعر هنگامی که از فتح و ظفر سخن می گوید:

«محمل خورشید ز آفاق گذشت / عطر سبز سحر از محفل عشاق گذشت / موج موج آینه از رگ رگ آفاق گذشت» (کس نداند که / ص 63)

شعر اخلاقی شعری است غنی صمیمی و دلنشین با فضای روحانی و زبانی نرم و روان که برخاسته از دل و جان شاعر است و به همین دلیل نیز شعری موثر و تاثیرگذار با تصاویری زنده و پویا است:

«محمل مخمل خورشید ز آفاق گذشت / عطر سبز سحر از محفل عشاق گذشت // د ر م د ا ر گ ل و خ و ن ب ا ت پ ش ن ب ض ف ل ق / م و ج م و ج آ ی ن ه ا ز ر گ ر گ آ ف ا ق گ ذ ش ت / ی ا ر ب آ ن د م چ ه غ ز ل ی د ر د ه ن خ ا م ه ش ک ف ت / ک ه ب ه ر ق ص آ م د و ب ر س ی ن ه و ر ق گ ذ ش ت» (کس نداند که ، ص 63)

شعر «خوشبوی ظفر بر لب چاوش ماست» این شعر یکی از بهترین و رساترین شعرهای اخلاقی و یکی از دلنشین ترین غزلهای دفاع مقدس است. شعر با فضای روشن و با تصویری از آسمان در هنگام طلوع و غروب خورشید و با اشاره به جوش و خروش رزمندگان دلیر آغاز می شود:

«موج شط شفق ازسینه پرجوش شماست / فلق آینه اندام کفن  
شماست»

وبا تصویری از حال وروز رزمندگان به شرح دلاوری این  
رزمندگان می پردازد واین که سرنوشت جنگ را دستان پرتوان  
ایمان و اراده خلل ناپذیر آنان رقم می زند و به تعبیر  
شاعر «علم حادثه "بر دوش آنان است:

«ای دلیران ره عشق دلیرانه به پیش / که د راین ره علم  
حادثه بر دوش شماست»

### اندیشه

غنی ترین عنصر شعر زکریا اخلاقی اندیشه ای است عمیق که  
از آشنای شاعر با فرهنگ غنی اسلامی وشناخت دقیق وی از زمان  
وزمانه اش سرچشمه می گیرد و نیز ناشی از نوع ترکیب سازی ها  
ی او است :

«سجده پرواز بر محراب گرم تیغ برد / آن که تعلیم نما ز سرخ  
خود از سر گرفت» (بس که بر خاک / ص 37)

سواد غربی غم / روزه دار عاشقی را «مسجد آدینه گم شد در  
نوبت افطار خون شد / بوسه زد تیغ شهادت برگلوی تشنه او /  
سرخ رو بر سفره سبز تجلی رهنمون شد» (بوسه زد تیغ / ص 47)

گرچه حضور اندیشه در شعر مانع حضور عاطفه و احساس شاعرانه  
نیست با این وجود عنصر غالب در شعر اخلاقی اندیشه است به  
گونه ای که اگر در شعر های وی ردی از احساس و عاطفه نیز  
دیده می شود این احساس و عاطفه نیز از گذر اندیشه ای است  
که در شعر او نمود پیدا میکند:

«کلبه عاطفه سرشار شد از بوی عروج / وقتی ز مصر بلا پیرهن  
آوردند / به سراپرده نورانی قربش بردند / آه که چون شمع در  
این انجمن آوردند» (یارب این کشته / ص 20)

به طوری که در شعر فوق مشاهده می شود ارتباط بین "مصر بلا  
و"پیراهن (یوسف) شمع انجمن نیز از راه تخیل و احساس  
شاعرانه بلکه از طریق اندیشه و از رهگذر ذهنیت فرهیخته  
و حافظه تاریخی نه از رهگذر تخیل شخصی و مکاشفه فردی بلکه

از طریق استفاده و به عاریت گرفتن تخیل شاعران پیشین و نیز بهره گیری از تاریخ و حدیث و روایت است که به تصویر شاعرانه می رسد .

### عاطفه

گرچه غزل‌های اخلاقی از عنصر عاطفه خالی نیست ولی همان گونه که گفته شد؛ غلبه عنصر اندیشه در شعرهای وی به حدی است که عنصر عاطفه در آن بسیار کم رنگ است :

«دوش یاران خبر سوختنش آوردند / صبح خاکستر خونین تن اش آوردند // یارب این کشته عریان کدامین عرصه است / که زبازار تجرد کفنش آوردند» (یارب این کشته / ص 19)

\*\*\*

«آخر ای مردم ما هم عتباتی داریم / کربلایی داریم آب فراقی داریم // ما پر از بوی خوش سیب پر از چاوشیم / وز چمن های مجاور نوحاتی داریم» (همه هستی ما ، ص 35)

با این وجود تعلق خاطر به اندیشه به حدی است که حتی غزل‌های حسی و عاطفی شدیدی که با عاطفه ای غنی شروع شده در میانه راه به سوی اندیشه می گراید و این عنصر اندیشه و ذهن اندیشه ورز شاعر است که سرنوشت نهایی شعر را تعیین می کند مثل غزل "بوسه زد تیغ شهادت برگلوی تشنه او" که شروعی دارد بسیار عاطفی :

"باز در سوگ عزیزی اشکها یم رنگ خون شد / وسعت محراب چون باغ شقایق لاله گون شد" (بوسه زد تیغ ؛ ص 47)

و نیز غزل "پیراهنی سپید پر از بوی سیب داشت" که در سوگ شهید ی سروده شده با آغازی بسیار عاطفی :

«چون لاله شکفته صفایی عجیب داشت / مثل شکوفه رایحه ای دلفریب داشت / وقتی که رفت مثل شهیدان کربلا / پیراهنی سپید از بوی سیب داشت» (پیراهنی سپید ، ص 57) ولی همین که شعر پیش می رود ذهنیت اندیشه ورز شاعر به کا رمی افتد و نه تنها از حضور عاطفه می کاهد بلکه ساختار شعر را نیز به به

خاطر چند فضایی شدن د رهم می ریزد به طوری که غزلی چنین زیبا

بی هیچ حسی ودرکی شاعرانه پایان می پذیرد با بیتی این چنین سست و شکننده :

«خونین کفن به کوی ملاقات دوست نرفت / در آرزوی وصل دلی بی شکیب بود» (همان ، ص 58)

## ساختار

گرچه ساختار ظاهری شعرهای کلاسیک فارسی ساختاری است ثابت ویک نواخت که برپایه وزن وقافیه استوار است ولی د رپشت این ساختار بیرونی ساختار درونی تری نیز وجود دارد که ناشی ازمحور هم نشینی و به نشینی واژگان وترکیب سازی ونحوه برخورد شاعر با عناصرشعر است که د ردو محور افقی وعمودی مورد بررسی است اگر از این منظر به شعر زکریا اخلاقی بنگیرم وی را همیشه موفق نمی بینیم به طور مثال درشعر "پیراهنی سپید پراز بوی سیب دشت" که با شور وشوق خاصی شروع شده شاعر از نظر استفاده از امکانات زبان کاملا موفق نمی بینیم مثل بیت آخر این غزل :

«رفت وبه توشه سفر آسمانی اش / تسبیح ومهر و شانه وقرآن به جیب داشت» (پیراهنی سپید ، ص 58)

به روشنی پیداست که آمدن "شانه" درمصراع دوم صرفا جهت رعایت وزن آمده وگرنه هیچ رابطه منطقی لفظی ویا حتی معنایی ایجاب نمی کند که د رچنین ساختاری شاعر واژه "شانه" را به کاربرد آن هم گاه که سخن از ره توشه سفری آسمانی است به نظر میرسد اگر به جای آن از واژه آینه استفاده می شد ارتباط طبیعی "آینه وقرآن" با سفر بهتر می توانست به مفهوم مورد نظر شاعر برسد. گرچه گاه شاعرا زترکیب همین قوافی وردیفهاست که به ساخت وفضاهای زیبا ودلنشینی دست می یازد. درغزلهایی با قافیه وردیفهای چون غزل "اشراق این همه کلمات از کدام سوست" یعنی کلمات قافیه ای چون "کلمات ، حیات ، برکات ، نفحات" وغیره درکنا وردیفهای بلند ی چون "از کدام سوست" با بیتهای زیبایی چون : «سبزم وتازه این نفحات از کدام سو است / جوش شهادتیم حیات از کدام سو

است// این سفره های منتشر از جنس فصل نیست /یعنی نزول این برکات از کدام سو است/ / ای ساکنان قریه سرسبز انبساط / این بی شمار رشته قنات از کدام سو است» (اشراق ، ص 65)

وباز ساخت وترکیب چنین قافیه های دشوار و ردیفهای بلند است که شاعر را تا آنجا می کشاند :

«گل‌های تمام بوی گل لاله می دهد / ای گلفروش شط فرات از کدام سو است» (همان ص 66)

این گونه است که شاعر به جای آنکه در غزل به بیان و تصویر احساسات و عاطفه و تخیل خویش پردازد ناخواسته تمام توان خودش را صرف درگیری با قافیه وردیف میکند تلاشی که بیشتر ریشه در آگاهی و وقوف دارد و به همین جهت نیز از صداقت و صمیمیت و کارشاعری کاهد گرچه انصافاً شاعر را راکثر موارد به خوبی از عهد پر داختن به چنین قافیه های دشواری برمی آید ولی حقیقت این است که با اندک دقتی در این غزلها براحتی می توان دریافت که این قافیه های کمیاب و دشوار تا پایان شعر بر دوش شاعر سنگینی می کند و گاه حتی شاعر را وامی دارد تا برای پرکردن تنگنای قافیه ای که در آن گیر افتاده، از واژه مصنوعی " آشکاره " استفاده بکند :

«تنی در اطلس گل رنگ نور می پیچند / که خون عشق از آن آشکاره می جوشد» (نماز نور، ص 34)

### موسیقی

موسیقی کلی حاکم بر شعرهای اخلاقی همان موسیقی یا وزن عروضی رایج در شعر فارسی است و شاعر هیچ توجهی به تلاش شاعران غزلسرای معاصر در عرصه های وزن های جدید ندارد به طوری که از 15 غزل مورد بررسی تعداد 11 قطعه در بحر رمل یا رمل مخبون سروده شده اند که مبین ذهنیت اخلاقی در برخورد با عنصر موسیقی در شعر اند مثل :

«کس تماشا نکند منظره ای زیباتر از این / خاطری را نبود خاطره زیباتر از این // زیر شمشیر شهادت سحر آنسان رفتی

/که نرفتند از این دایره زیباتر از این «(کس تماشا نکند، ص  
(13)

اما در همین وزن معمولی به کارگیری ردیف بویژه ردیفها ی  
بلند به غنا ی موسیقایی شعرها ی اخلاقی می افزاید مثل :  
« ا ی ساکنان قریه سرسبز انبساط / آن بی شمار رشته قنات ا  
ز کدام سوست // گلها تمام بوی گل لاله می دهند / ا ی گلفروش  
شط فرات از کدام سواست) (اشراق، ص 65)

ا زسوی دیگر شاعر برای غنی تر ساختن موسیقی شعرش از  
تاثیر موسیقایی تکرار صامتها غافل نیست و از این میان  
میتوان از تاثیر موسیقایی صامتهای «س، ص، ث» در بیت زیر  
: «پدر صفای قصه های مشرقی را / مثل بوی پیرهن سرشار از  
تفسیر یوسف کن» (ای نزول سبز، ص 24) و نیز اخلاقی از بین  
صنایع لفظی و معنوی علاقه خاصی به مراعات النظیر نشان میدهد  
که گاه به صورت تداعی طبیعی کلمات و گاه از روی آگاهی و جهت  
توسیع فضای شعر به کار میرود از این میان میتوان به بیت  
زیر اشاره کرد که در آن توجه شاعر به رشته سوزن اطلس  
و گلدوزی به روشنی پیدا است:

«رشته خونی که دوش از سوزن خنجر گذشت / اطلس دامن سنگر را  
به گلدوزی گرفت» (بس که برخاک، ص 37)

### سبک فکری

زکریا شاعری است غزل سرا و غزل تنها قالبی است که با روحیه  
اخلاقی سازگار است چرا که در کل کتاب "تبسم های شرقی" شکل  
و قالب دیگری جز غزل وجود ندارد و انگار اخلاقی تنها یک قالب  
برای سرودن شعر می شناسد به همین دلیل هم به سبب محدودیتی  
که قالب غزل برای بیان محتوا بویژه محتوای اجتماعی دارد  
شاعر از همان آغاز به فضا و گستردگی اندکی در شعر قناعت  
می ورزد و تلاش می کند تا تمام حرف و گفتنش را در قالب غزل  
ارایه دهد لذا از آنجا که غزل قالب خاصی است که بیشتر برای  
بیان احساس و عواطف شخصی و فردی شاعری است . اخلاقی با  
انتخاب چنین قالبی از همان ابتدای کار محدودیت خاصی را  
می پذیرد و می پذیرد که تمام حرفهایش را تنها در این قالب  
به صورت شعر ارائه می دهد به خاطر همین هم در بین اشعار وی



هیچ نوع تنوع و رنگارنگی دیده نمی شود بنابراین شکل و محتوا تنها در یک شکل آن هم در قالب غزل امکان تجلی می یابد به همین جهت هم غزلهای اخلاقی آنجا موفق می نماید که محتوای شعر شاعر به حوزه های عرفان گرایش دارد بویژه شعرهایی که درباره موضوع هایی غیر از دفاع مقدس سروده شده اند مثل: «ما را خوش است سیر سکوتی که پیش روست / گشت و گذار در ملکوتی که پیش روست // بر گیسوی تغزل شانه میکشد / شیوایی دودست قنوتی که پیش روست» (یارب مباد، ص 9)

\*\*\*

«بیابان در بیابان طرح اقیانوس در دست است / ویک صحرا پر از گلهای نامحسوس در دست است // صدای پای نسلی در طلوع صبح پیچیده است / که او را آخرین آینه فانوس در دست است» (افقها، ص 21)

کافی است همین دو غزل «یارب مباد بی غزل عاشقی شبی» «افقها سبز در سبزند و اوفانوس در دست است» را با پانزده غزل مربوط به دفاع مقدس گرد آوری شده در این مجموعه مقایسه کنیم تا ببینیم که چگونه شاعر آنگاه که از دلش حرف می زند و از سیر و سلوک عرفانی سخن می گوید بهتر و دلنشین تر شعری گوید تا آنجا که قصد پرداختن به مسایل اجتماعی در همین قالب غزل دارد چرا که اصولاً غزل قالبی برای بیان حرف دل است و بهترین قالب برای شعرهای عرفانی و عاشقانه است و به خاطر بافت و ساخت خاص این قالب که ریشه در گذشته های خیلی دور دارد سرودن شعر آن هم درباره مسایل اجتماعی حادی چون جنگ و دفاع در این قالب بسیا مشکل است چرا که اخلاقی در سرودن عرصه های گوناگون دفاع مقدس بیشتر از عنصر اندیشه و ذهنیت اندیشه مدار خود مدد می گیرد تا از دریای بیکران احساسات و عاطفه، برعکس در هنگام سرودن غزلهای با فضای عرفانی بیشتر از حس و عاطفه شخصی و فردی خود سخن می گوید و به خاطر همین غزلهای فردی و عرفانی لطیفتر و دلنشین تر است.

فضای روحانی شعرهای زکریا حاصل به کارگیری به جا و به موقع فرهنگ و مفاهیم اسلامی است مفاهیمی که در غزلهای اخلاقی به بهترین وجه جلوه گری می کنند و بر صمیمیت فضای شعرها می

افزاینند البته باید توجه داشت که در شعرهای اخلاقی این بسامد بالای مفاهیم خاص نیست که جلب توجه می کند بلکه تنوع و گستردگی کاربردی این مفاهیم و فرهنگ حاکم بر شعرهای اوست که در درجه نخست توجه خواننده را به خود جلب می کند گرچه در کنار این مفاهیم غنی اسلامی شاعر از بکارگیری مفاهیم عمودی که جزو مفاهیم رایج در شعرها ی دفاع مقدس است به موقع بهره می برد و به شعرهایش ذهن و زبانی همسو با دیگر شاعران دفاع مقدس میبخشد این مفاهیم با توجه به بسامدشان در شعرهای اخلاقی عبارتند از :

### **خون و خونین**

«تنی در راطلس گل رنگ نورمی پیچند / که خون عشق از آن آشکاره می جوشد» (نما ز نور ، ص 34 )

### **شهید و شهادت**

«این تبسم نوبت موسیقی یاد شهیدان است / ای سرانگشت تخیل از زجمود خود تخلف کن» (ای نزول سبز، ص 24)

### **پیروزی**

«خاک کم کم بوی پیروزی گرفت / با ورقهای شقایق فال پیروزی گرفت» (بس که برخاک ، ص 38)

### **لاله**

«چون لاله شکفته صفایی عجیب داشت / مثل شکوفه رایحه ای دلفریب داشت» (پیراهنی سپید ، ص 57)

### **سرخ**

«ما رسیدیم بر این قله سرسبز اما / سرخ شد پیرهن کوه ز گلدوزی ما» (آسمانی شده ، ص 17)

### **شقایق**

آمد با ز / مگر که خون شهیدان شقایق «زباغ حادثه بوی دوباره می جوشد» (نما ز نور ، ص 34 )

### **خدا**

«د رهمین روضه سربسته خدا می داند / دست در شرح چه اسما  
وصفاتی دارم» (همه هستی، ص 36)

### **عرش**

با پرندی زسر زلف ملک مدوخته است / شاهدی عرش نشین خلعت  
بهروزی ما» (آسمانی شده، ص 18)

### **محراب**

«یاد باد آن همه امواج بهاری که فشاند / شعله لاله به  
محراب خزان سوزی ما» (آسمانی شده، ص 18)

### **وصل**

« لحظه سرخ اجابت زشفاخانه وصل / مرهم تازه داغ کهنش  
آوردند» (یارب این کشته، ص 20)

### **سیب**

«ای بلوغ شاخه ها د راشتهای ما تصرف کن / ا زمین سبزه  
سیب تجلی را تعارف کن» (ای نزول سبز، ص 23)

### **عروج**

«کلبه عاطفه سرشار شد از بوی عروج / وقتی از مصر بلا  
پیراهن اش آوردند» (یارب این کشته، ص 20)

### **خنجر**

«رشته دوش ا زسوزن خنجر گذشت / اطلس دامان سنگر را به  
گلدوزی گرفت» (بس که بر خاک، ص 37)

### **نمونه شعر:**

این هم یک نمونه از شعر شاعر:

"شعر خوشبوی ظفر بر لب چاووش شماست"

«موج شط شفق از سینه پر جوش شماست / فلق آیینه اندام  
کفن پوش ماست / ای دلیران ره عشق دلیرانه به پیش / که د

راین ره علم حادثه بردوش شماست / تا که جرعه عاشقی از  
 جام شہامت زده اید // عشق حیران زخروش دل مدهوش شماست /  
 روح بخش دل بیدار دلیران امروز / نفس قدسی سرادار فتح  
 نوش شماست / عطر جنت بخش سحر در درگ گل می رقص  
 / شعر خوشبوی ظفر بر لب چاووش شماست / سوی این بادیه با  
 مشعل تکبیر شوید / که د راین ره به کمین دشمن مغشوش  
 شماست / خوش برانید که در حجله نورانی فجر / شاهد فتح  
 ظفر تشنه آغوش شماست «

## منابع:

- 1- اخلاقی، زکریا؛ تبسم های شرقی، قم، محراب اندیشه، 1372
- 2- اقبالی اعظم، معظمه؛ شعر وشاعران در ایران اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1379
- 3- اکبری، منوچهری؛ بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1377
- 4- \_\_\_\_\_؛ نقد وتحلیل شعر دفاع مقدس، تهران، سازمان مدارک فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1377
- 5- \_\_\_\_\_ و محمد محمدی نیکو؛ شعر امروز، الهدی، 1372
- 6- بخشوده، حبیب الله؛ به رنگ هنوز، بررسی محتوایی ساختار شعر سپید دفاع مقدس، قم، نسیم حیات، 1384
- 8- بهبودی، هدایت الله؛ ادبیات انقلاب اسلامی، مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، سمت، 1373
- 9- تجلیل، جلیل؛ ویژگی های از شعر انقلاب اسلامی، مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، سمت، 1373
- 10- ترابی، ضیاءالدین؛ پیرامون شعر، تهران، سوره، چاپ اول، 1375
- 11- \_\_\_\_\_؛ شکوه شقایق، (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، تهران، موسسه فرهنگی سما، 1380

- 12- ترابی، علی اکبر؛ شعر نو؛ هنری در پیوند با تکامل اجتماعی، تبریز، نوبل، 1370
- 13- ترنم حضور (اشعار برگزیده نخستین جشنواره سراسری شعر بسیج مشهد مقدس بهمن 1380)، معاونت فرهنگی نیروی مقاومت بسیج به کوشش خلیل عمرانی، تهران، نسل مرواید، 1381
- 14- \_\_\_\_\_؛ گونه های نو آوری در شعر معاصر ایران، چاپ اول، تهران، نشر ثالث، 1383
- 15- خامه خونین عشق، گزیده ای از اشعار سروده شده در زمینه دفاع مقدس، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد امور جنگ، 1367
- 16- رستگار، مهدی؛ نو آمدگان شعر انقلاب، بررسی ادبیات انقلاب، سمت، 1373
- 17- سنگری محمدرضا؛ نقد و تحلیل ادبیات منظوم دفاع مقدس، پالیزان، 1380
- 18- شکارسری، حمید رضا؛ هفتمین فصل غزل، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، 1377
- \_\_\_\_\_؛ نگاهی تحلیلی و آماری به بیست سال شعر دفاع مقدس، تهران، معاونت ادبیات و انتشارات، شورای تدوین شعر دفاع مقدس، 1379
- 19- صبور، داریوش؛ آفاق غزل فارسی، تهران گفتار، 1370
- 20- طغیانی اسفرجانی، اسحاق؛ جهت کلی ادبیات انقلاب اسلامی، مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، سمت، تهران، 1373
- 21- علایی، سعید؛ جریان شناسی شعر انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1387
- 22- علی پور، مصطفی؛ ساختار زبان شعر امروز، تهران، فردوس، چاپ اول، 1378
- 23- قاسمی، حسن؛ صورخیال در شعر مقاومت، تهران، فرهنگ گستر، 1384

- 21- اسماعیلی، رضا؛ هشت یادداشت کوتاه درباره ادبیات  
مقاومت و پایداری، شعر، شماره 39، سال 2، زمستان 83
- 22- عظیم زاده، امیر علی؛ نگاهی به تاریخچه شعر مقاومت  
و بررسی آن در دوره دفاع مقدس، مجله علوم انسانی دانشگاه  
امام حسین، ش 72، شهریور 1387
- 23- علی پور، محمدکاسم؛ باشاعران دفاع مقدس، اهل قلم،  
ش، 1 شهریور 1375
- 24- فیاض منش، پرند؛ بررسی موضوعات مضامین و قالبهای شعر  
جنگ، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره  
اول، بهار و تابستان 1381